

# نهج البلاغه

## در منظر اندیشه‌ها

تحقیق و تدوین: محمد مهدی علیقلی

«قرآن»، آینه‌ی اسلام است و «نهج البلاغه»، ترجمان قرآن، نهج البلاغه، منشوری است که با قرآن، پیوند برادری بسته و به مبدا الهی متصل است.

نهج البلاغه، میراث عظیم یگانه مردی است که به تمام اعصار و قرون، تعلق دارد و از همین رو - همچون قرآن - هیچگاه با مرور زمان، کهنه نگشته و غبار فراموشی بر آن نمی‌نشیند. نهج البلاغه، تالی قرآن و - پس از قرآن - گنجینه‌ای بی‌نظیر است که از دیدگاهی دقیق و نافذ به واقعیت‌ها و حقایق جهان و جامعه نظر می‌افکند.

نهج البلاغه، دریای بیکران‌های است که تمام آنچه را که برای مسلمانان و اجتماع آنان لازم است، از توحید و اصول دین، سیاست، حکومت، اخلاق، حکمت، سیر و سلوک، فروع دین و... را در خود گنجانده است.

جایگاه نهج البلاغه در میان منابع غنی اسلامی، جایگاهی ویژه و استثنایی است که بر خوردی درخور تامل و دقت را می‌طلبد تا بتوان به مفاهیم آن «دسترسی» پیدا کرد و سپس به «بهره‌برداری» پرداخت. و تاریخ، منشور گسترده‌ای است که همواره از دانش پژوهان، عارفان، بزرگان - شیعه و سنی - و حتی غیرمسلمانان، گفتارهایی را در سینه‌ی خویش، ثبت کرده است که هر یک به بعدی از ابعاد دنیای ناشناخته‌ی «نهج البلاغه» روی آورده و از این طریق نام و یاد خود را به سرچشمه‌ی جاودانگی این کتاب ارزشمند و صاحب آن پیوند زده‌اند. و راز جاودانگی «نهج البلاغه» را باید در شخصیت والای انسانی جست که همواره از او به عنوان «انسان کامل» تعبیر می‌شود. و امام علی (ع)، تنها شخصیتی است که همواره «شاخص» جهان خلقت است و به همان اندازه عظمت و فضیلت را در خویش گردآورده است.

عبادت، جهاد، صبر، جوانمردی، محبت، دعا، سخاوت، یتیم‌نوازی و... و دانش علی (ع)، ذهن را به وادی حیرت می‌کشاند و آدمی را از درک ژرفای وجودش عاجز می‌گرداند. آری «امامت» علوی، «کمال

دین» و «اتمام نعمت» است.

شخصیت او «قرآن مجسم» و زبانش «قرآن ناطق» است. «حکومت» او، آمیخته با «عدالت» و.

کلام او پایین‌تر از کلام خالق و برتر از کلام مخلوق است. و این نوشتار جست و جویی از سیمای نهج البلاغه در منظر اندیشه‌هاست. و ما، در این تحقیق هرگز بر آن نبوده‌ایم که این کندو کاو را در چارچوب اندیشه‌ها و گفتارهای دانشمندان اسلامی محدود سازیم؛ زیرا معتقدیم که «نهج البلاغه» در منابع اسلامی به گونه‌ای والاتر و برتر، وصف گردیده است و با توجه به فواید بی‌شمار یک بررسی همه‌جانبه بر آنیم که به دیدگاه خوانندگان، وسعت بخشیده و ضمن آشنایی با چکیده‌ای از اندیشه‌های دیگران نسبت به شناخت وظایف خویش در این بهره‌برداری، یاریگر باشیم.

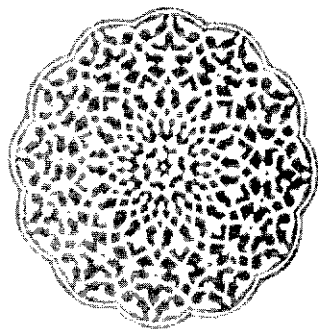
### الف: نهج البلاغه از دیدگاه دانشمندان شیعه

نهج البلاغه در کلام امام خمینی (ره)

○ ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

○ و اما کتاب نهج البلاغه که نازله روح اوست برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خود و خودخواهی خود معجون نیست برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه‌ای است دارای ابعادی به اندازه ابعاد یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی از زمان صدور آن، تا هر چه تاریخ به پیش رود.

○ و این کتاب (نهج البلاغه) را به جوامع بشری معرفی نموده و عرضه دارید که این متاعی است که مشتری آن انسان‌ها و مغزهای نورانی است.<sup>۱</sup>



### نهج البلاغه در کلام حضرت آیت الله خامنه‌ای

○ نهج البلاغه کلام اولین مومن به وحی محمدی، و کلام خلیفه‌ی پیغمبر (ص) است، خلیفه‌ی بی که همه‌ی مسلمان‌ها بر او اتفاق نظر دارند و امامی که به اعتقاد شیعه و بسیاری از اهل سنت افضل صحابه است. یعنی انسانی در این حد عظمت و اهمیت، سخنرانی‌ها و خطبه‌هایش عیناً باقی مانده است و این می‌تواند نشان‌دهنده‌ی متنی عظیم و اصیل از معارف اسلامی باشد. ما می‌توانیم پایه‌های اعتقاد کامل و جامع به اسلام را در این کتاب - که اخلاق و زهد و عرفان و رهبری و نظام سیاسی و اجتماعی در آن وجود دارد - پیدا کنیم.

○ نهج البلاغه یک اثر فوق‌العاده هنری است و از لحاظ زیبایی کلمات و شیوایی معتبر است و ما هیچ گوینده‌ی فارسی و هیچ نویسنده و هنرمند و شاعری را در زمان خود و در هیچ زمانی سراغ نداریم که بتواند با زبان شیوای علی (ع) حرف بزند.<sup>۱</sup>

○ علامه متتبع و کتابشناس نامی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، در جلد چهارم کتاب گرانقدرش «الذریعه» تحت عنوان «ترجمه نهج البلاغه» می‌نویسد:

بعد از انقطاع وحی الهی کتابی از نظر اعتماد مانند نهج البلاغه تدوین نشده است. کتابی که راه صحیح علم و عمل را به انسان نشان می‌دهد و پرتوی از علم الهی بر آن تابیده و بوی عطر سخنان پیغمبر اکرم (ص) از آن می‌تراود.

نهج البلاغه صدف مرواریدهای حکمت و گنجینه‌ی یاقوت‌های سخن است.

مواعظی که در طی خطبه‌های آن دیده می‌شود، و نامه‌های حضرت تار و پود دل‌ها را به سوی خود می‌کشد. کلمات قصار آن نیز ضامن سعادت دنیا و آخرت است.

طالبان حقایق را به دیدن گمشده‌ی خود ارشاد می‌کند، و فرزندان را به راه سیاست و سیادتشان رهبری می‌نماید.

کتابی که دارای چنین ارزشی است جا دارد که اندیشمندان در پیشگاهش زانو زنند و کاوش‌گران آن را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند، و شایسته است که پیرامون آن کتاب‌ها و رساله‌ها نوشته شود تا همه یا بعضی از مطالب آن روشن گردد، و به زبان‌های دیگر هم ترجمه شود تا اهل هر زبانی کفی از آن دریا بردارند.

همچنین در جلد چهاردهم کتاب «الذریعه» زیر عنوان نهج البلاغه می‌نویسد:

نهج البلاغه از لحاظ اشتهار و مقام والا و ارزش و جایگاه بلندی که دارد همچون آفتاب نیمروز است. چقدر زشت است که خردمند بینا سوال کند: آفتاب تابان چیست؟ با این که می‌بیند پرتو آن سرتاسر دنیا را فرا گرفته است. نهج البلاغه نیز چنین است. زیرا شهرت آن شرق و غرب عالم را پر کرده، و نام آن به گوش جهانیان رسیده است.

از تعلیمات نهج البلاغه کلیه افراد بشر استفاده می‌برند، چون مطالب این کتاب از معدن وحی الهی صادر شده است. نهج البلاغه در تبلیغ و تعلیم، برادر قرآن کریم است، و دواوی درد هر دردمند و بیمار می‌باشد، و دستورالعملی است برای به دست آوردن سعادت دنیا و سیادت آخرت، با این فرق که قرآن را حامل وحی الهی بر قلب پیغمبر امین (ص) نازل کرده است، و نهج البلاغه انشاء باب مدینه علم پیغمبر و حامل وحی او، یعنی سیدالموحیدین و امام‌المتقین امیرالمومنین علی (ع) من رب العالمین می‌باشد...

○ علامه سید هبه‌الدین شهرستانی، فقیه و اسلام‌شناس نامدار شیعه:

«... دانشمندان بسیاری نهج البلاغه را ستوده و اعتراف کرده‌اند که مطالب عالیه آن در حد اعجاز است، چنانکه عقول ایشان از عظمت نوری که از خطبه‌ها و مزایای جملات آن می‌درخشد به حیرت می‌افتد.

تعجب ادبا تنها به ملاحظه انسجام الفاظ نهج البلاغه نیست و دهشت و تحیر دانشمندان نیز به این نیست که معانی بلیغ آن به سرحد اعجاز رسیده، بلکه شگفتی و تحیر آنان همه و همه در تنوع مقاصد و منظوره‌های گوناگونی است که در خطبه‌ها و کلام آن وجود دارد، و امام (ع) از عهده بیان آنها به خوبی برآمده و برتری شخصیت خویش را بر همگان آشکار کرده است.»

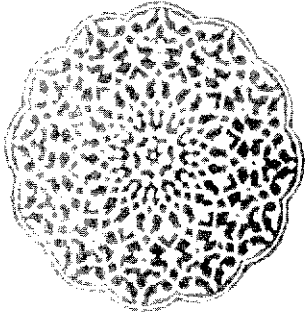
○ علامه امینی، دانشمند مجاهد شیعه، صاحب کتاب عظیم‌القدر: «... اسلام بدون شمشیر علی بن ابی‌طالب (ع) بر پای نه‌ایستاد، و لشکر شرک جز بر اثر قدرت و صولت او منهزم نگردیده است و خدای بزرگ کعبه بیت الحرام را از آلودگی بتها جز به دست او پاک نفرموده و زنگارهای شبهه و کفر، جز به بیانات و براهین او نهج البلاغه شریفش مندرج است - زوده نشده است.»

○ استاد محمد تقی جعفری: «آن روز که نهج البلاغه علی بن ابیطالب (ع) بیطرفانه و با دقت رسیدگی شود، از تمامی مکتب‌های اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی و فلسفی بی‌نیاز خواهیم شد.»

○ نهج البلاغه در کلام علامه طباطبایی «رضوان الله تعالی علیه» آنچه برای دانشمندان چشمگیر است ادب علمی است که انسان در زندگی صاحب نهج البلاغه مشاهده می‌کند یعنی با آن که در دل، دریای بیکرانی از علوم مختلف را انباشته داشته چگونه در دوران زندگی پیامبر اسلام حضرت ختمی مرتبت حضرت محمدبن عبدالله (ص) هیچگونه سخنی در هیچ زمینه به زبان نیاوردند و تنها در برابر پیامبر اسلام، گوش بودند که فقط می‌شنیدند.

و این برای یک فیلسوف بزرگترین درس است که باید در هر زمینه ادب علمی خود را حفظ نماید و اگر به یک ابتکار علمی دست یافت در برابر استاد اظهار وجود ننماید، و این خود بزرگترین روش اخلاق فلسفی است که در برابر یک کشف علمی خود را نبازد و این بزرگترین درسی است که از نهج البلاغه یک فیلسوف می‌تواند استفاده نماید.

○ آیت الله محمد تقی شوشتری، شارح نهج البلاغه: کتاب کان الله رصع لفظه بجوهر آیات الكتاب المنزل حوی حکما کالدر یناطق صادقاً فلا فرق الا انه غیر منزل (نهج البلاغه)، کتابی است که گویی خداوند الفاظ را بوسیله



غمگین می‌شدم، مطالعه این کتاب، آرامش روحی عجیبی به من می‌داد به طوری که تمام غم‌هایم را فراموش می‌کردم...»

### ب: نهج البلاغه از دیدگاه دانشمندان اهل سنت

○ شیخ محمد عبده

«در میان دانشمندان و سخن‌شناسان زبان و ادبیات عرب کسی نیست که به عظمت امام علی (ع) اعتراف نکند. کلام امام علی بن ابیطالب، پس از کلام خدای متعال و پیغمبرش (ص) شریف‌ترین و برترین سخن و سرشارترین کلام از لحاظ مواد و دارای بهترین شیوه است و بیشترین معانی و محتوی را دارد.»  
در جای دیگر می‌گوید:

«... هنگامی که پاره‌ای از عبارات نهج البلاغه را با دقت می‌خواندم، صحنه‌هایی در نظرم مجسم می‌گشت که شاهد زنده‌ای برای پیروزی نیروی سخن و بلاغت بود. آنجا که دلها با برهان حقایق آمیخته می‌گشت، و سپاه سخنان محکم و نیرومند، چنان به درهم شکستن باطل و یاری حق به پا می‌خاست، که هر شک و باطلی را نابود می‌کرد. قهرمان میدان که این پرچم پیروزی را به اهتزاز درآورده بود، امیرالمومنین علی بن ابی طالب بود.»

من هرگاه در مطالعه این کتاب (نهج البلاغه) از فصلی به فصل دیگر می‌رسیدم، حس می‌کردم که پرده‌های سخن عوض می‌شود، و آموزشگاه پند و حکمت تغییر می‌یابد. گاهی خودم را در جهانی می‌یافتم که ارواح بلند معانی با زیور عبارات تابناک آن را آباد ساخته است.

این معانی بلند، پیرامون روانهای پاک و دل‌های روشن، می‌گردد تا بدان‌ها الهام رستگاری بخشد و به مقصد عالی که دارند برساند، و از لغزشگاه‌ها دورشان کرده به شاهراه محکم فضیلت و کمال بکشاند...»

در جای دیگر می‌گوید: نهج البلاغه با مطالبی که در بردارد می‌تواند هدف‌های هر نویسنده و گوینده‌ی را تأمین کند. در این کتاب: ترغیب، تنفر، سیاست، جدل، اصول تمدن، حقوق متقابل اجتماع و رهبر، قوانین عدالت، پند و نصیحت وجود دارد و هیچ اندیشه و خواسته‌ای بر دل انسان نمی‌گذرد جز آنکه بهتر و کامل‌تر از آن در نهج البلاغه یافت نمی‌شود.

○ استاد حسین نائل موصفی (ف، ۱۳۰۷) دانشمند علوم بلاغت در دانشگاه الازهر مصر:

نهج البلاغه کتابی است که خداوند آن را دلیل روشنی قرار داد تا ثابت کند که علی «سلام الله علیه» بهترین شاهد زنده نورانیت و پرتو بخش قرآن و حکمت و دانش و هدایت و اعجاز و فصاحت آن کتاب آسمانی است، آیات و نشانه‌های حکمت ارزنده و قوانین صحیح سیاست و پندهای روشن و دلنشین و برهان‌های گویا و استواری که علی (ع) در این کتاب آورده خود دلیل فضیلت مافوق تصور و بهترین آثار یک پیشوای به حق است که هیچ یک از حکمای بزرگ و فلاسفه عالی مقام و نوابغ روزگار نظیر آن را نیاورده‌اند.<sup>۱۴</sup>

○ محمد محی‌الدین عبدالحمید، استاد دانشگاه الازهر مصر:

نهج البلاغه کتابی است که در آن چشمه‌های بلاغت و فنون آن گردآمده و برای کسی که در آن، می‌نگرد، اسباب فصاحت مهیا و میوه رسیده آن در دسترس است، چرا که آن از سخنان فصیح‌ترین انسان‌ها بعد از پیامبر اکرم است، و آن کلمات از قدرتمندترین و برترین انسان از لحاظ منطق و استدلال، نشأت گرفته، و آن عبارات از کسی است که صاحب اختیار لغت عرب است و هرگونه آزاده کند آن را می‌گرداند، حکیمی که حکمت از بیانش جاری می‌شود،

آیات کتاب آسمانی (قرآن) به گوهر آراسته است. (این کتاب) حاوی حکمت‌های (پربرها) همانند در است که در گفتارش صادق می‌باشد و فرقی میان آن دو نیست جز آن که این کتاب (نهج البلاغه) فرو فرستاده نشده است.<sup>۸</sup>

○ آیت‌الله حسن زاده املی:

کلمات امیرالمومنین علی (ع) نه فقط از حیث بلاغت، «نهج البلاغه» است، بلکه در جمیع شوون و امور حیات انسانی نهجی قویم و طریق مستقیم است. «نهج البلاغه» کتابی است که اگر در آن به ترتیب حروف تهجی از الف تا یاء در هریک از معارف حقه الهی بحث و فحص گردد، اصول و امهاتی را حاضر است که هر اصلی خود شجره طیبه فروع و اثمار بسیار است.

○ استاد شهید مرتضی مطهری، متفکر، خطیب و متکلم بزرگ اسلامی: «سخن علی (ع) برای او وسیله بوده، نه هدف، او نمی‌خواست است به این وسیله یک اثر هنری و یا یک شاهکار ادبی از خود باقی گذارد.»

بالتر از همه این که سخنش کلیت دارد و محدود به زمان و مکان و افراد معین نیست. مخاطب او انسان است و به همین جهت، نه مرز می‌شناسد و نه زمان... نهج البلاغه از همه جهات متأثر از قرآن و در حقیقت فرزند قرآن است.<sup>۹</sup>

○ استاد محمدرضا حکیمی:

کلام جاودانه «نهج البلاغه»، جوششی است از سرچشمه فیض بی‌انقطاع الهی، که به «امر رب» خود می‌جوشد. این کلام، تقریر دوباره‌ای است از حقایق تجسم یافته «قرآن کریم»، و از علوم «وحی محمدی» و شناخت‌های قرآنی و تعالیم اسلامی. و همین است که شریف بزرگوار علوی، حضرت ذوالحسین، ابوالحسن محمدبن حسین موسوی، مشهور به «سید رضی»، گردآورنده این «جامع مقدس» می‌گوید:

«... لان کلامه - علیه‌السلام - الکلام الذی علیه مشخه من العلم الالهی، وفیه عبقة من الکلام النبوی...» کلام علی (ع) کلامی است که فروغ فرزندان علم آسمانی از آن می‌تراود، و نسیم ○ آیت‌الله العظمی خویی (ره) می‌فرماید:

«هنگامی که علی (ع) در خطبه‌های نهج البلاغه وارد بحثی می‌شود، جایی برای سخن دیگری باقی نمی‌گذارد تا آنجا که افرادی که از تاریخ زندگی امیرمومنان علی (ع) آگاهی کافی ندارند گمان می‌کنند که او تمام عمرش را تنها درباره همان موضوع صرف کرده است.<sup>۱۱</sup>»

○ علامه محمدباقر محمودی صاحب «نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه» می‌گوید:

«من از آغاز، علاقه بسیاری به نهج البلاغه داشتم و هرگاه که

خطیبی که سحر بیانش دل را مالامال می‌کند، عالمی که از رهگذر همنشینی با رسول الله و نوشتن وحی الهی و با شمشیر و زبان، از زمان کودکی در راه دین دفاع کردن، او را برای چنین کاری آماده ساخت.<sup>۱۵</sup>

○ **عباس محمود عقاد، نویسنده و مورخ معروف مصری:**

«در کتاب نهج البلاغه، نور آیات توحید و حکمت الهی، چنان درخشان و پرتو افکن است که بررسی و تحقیق همه پژوهندگان معارف الهی را شامل می‌شود... و مهر شخصیت علوی از پشت سطرها و از میان حروف این کتاب پدیدار است و چون خوب دقت کنی و گوش فرداهی صدای امام را از آن سوی کلمات می‌شنوی نه صدای دیگری را.»<sup>۱۶</sup>

○ **استاد حنا الفاخوری:**

«علی (ع) در نهج البلاغه صاحب شخصیتی یکتاست، او مرد عقیده نیرومند و ایمان زنده است... سخن علی بن ابی طالب از لحاظ معنی گنجینه‌ای است که در ادبیات آن دوره جای خاص و بی نظیری را اشغال کرده و از نظر لفظ نیز از جمال و رونق بسیاری برخوردار است برای اینکه با این ثروت لفظی و معنوی آشنا شویم به بیان ارزش‌های لفظی و معنوی برخی از حکم و رسائل و مواعظ او می‌پردازیم... کتاب نهج البلاغه یک ثروت عظیم فکری و ادبی است.»

○ **استاد ناصیف یازجی:**

«اگر بخوای از لحاظ علم و ادب و انشاء، بر رقیبان برتری جویی، باید قرآن و نهج البلاغه را حفظ کنی.»

مهارت من در فن نویسندگی در اثر مطالعه و بررسی قرآن کریم و خطبه‌های شیوای نهج البلاغه بود، زیرا این دو کتاب با عظمت، گنج بی پایان زبان عربی و ذخیره جاودانه ادب جوانان است و محال است که یک نفر ادیب لغت عربی، بدون این که شبها را تا سحر به مطالعه و غور و بررسی این دو کتاب و اندیشه در بهترین اسلوب‌های آن مشغول باشد، نیازمندی خود را برطرف نماید.»<sup>۱۸</sup>

○ **محمد بن علی بن طباطبا (ابن طقطقی):**

«کتاب «مقامات حریری» اگر از یک طرف نفعی در آن باشد، از سوی دیگر زیانمند است. چنانکه گروهی از مردم به این گونه عیب‌های «مقامات حریری و بدیعی» آگاه شده‌اند و برخی به «نهج البلاغه» که از کلمات امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است رو آورده‌اند، زیرا نهج البلاغه کتابی است که حکم و مواعظ و خطب و توحید و شجاعت و زهد و علو همت از آن آموخته می‌شود، و کمترین فایده آن فراگرفتن فصاحت و بلاغت است.»<sup>۱۹</sup>

○ **دکتر زکی نجیب:**

«هنگامی که به همین منتخب کلمات امام علی (ع) که شریف‌رضی برگزیده و بدان نهج البلاغه نام نهاده است به دقت می‌نگریم، خود را در مقابل دنیایی از شگفتی تعبیر و عمق معنی، حیرت زده می‌یابیم.»

○ **علی الجندی رئیس دانشکده علوم در دانشگاه قاهره:**

با مطالعه نهج البلاغه نوعی خاص از آهنگ موسیقی بر اعماق احساسات انسان پنجه می‌افکند، از نظر سجع و نظم و ترتیب کلمات و جملات، طوری مرتب است که می‌توان آن را شعر منثور نامید.<sup>۲۱</sup>

○ **دکتر زکی مبارک:**

من اعتقاد دارم که مطالعه کتاب نهج البلاغه روح شهامت و مردانگی انسان را تقویت می‌کند زیرا از روح بزرگ و پرتوانی صادر شده است که در برابر تمام دشواری‌ها چون شیر ایستاده است.<sup>۲۲</sup>

○ **استاد خلیل هندوئی:**

هیچ کتابی را مانند نهج البلاغه پیدا نمی‌کنی که دارای فصول مختلف و سبک واحد باشد و از شخص واحدی صادر شده باشد؛ از این رو تاءکید داریم و تکرار می‌کنیم که نهج البلاغه از یک شخصیت صادر شده و یک نفس در آن دمیده است.<sup>۲۳</sup>

○ **استاد عبدالوهاب حمورا استاد علوم اسلامی دانشگاه «فواد» قاهره ۱۹۵۱:**

«... نهج البلاغه شامل همه آن چیزهایی است که پژوهشگران بزرگ، اساتید اخلاق، فلاسفه، دانشمندان، پیشوایان مذاهب، سیاستمداران برهیزگار، می‌توانند بگویند یا بنویسند، نیروی شگرف پنجاه، توصیه‌ها، عمق بینش، ژرفای محتوای نهج البلاغه، بخوبی نشان می‌دهد که این اثر جاودانه، از اندیشه بی نظیر امام علی است...»<sup>۲۴</sup>

○ **ابن ابی الحدید معتزلی دانشمند، مورخ و شاعر معروف عرب و شارح نهج البلاغه:**

امام علی (ع) پیشوا و سرور سخنوران و بلیغان، کلام او را به حق از سخن خداوند فرورتر و از کلام مخلوق فراتر دانسته‌اند، ارزش سخنان او را همین نشانه بسنده است که فنون سخنوری و نویسندگی را همگی مردم از او آموخته‌اند.<sup>۲۵</sup>

○ **دکتر صبحی صالح، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه لبنان:**

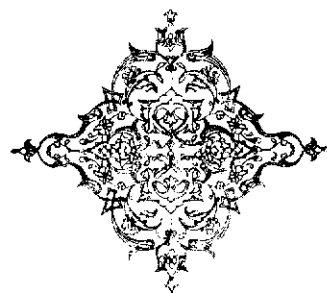
من به نوبه خود، به عنوان شارح و محقق و ضابط نص کتاب، معتقدم که ضروری است نهج البلاغه امیرالمؤمنین امام علی (ع) در سراسر جهان چاپ و توزیع گردد تا نسل جدید مسلمانان از آن بهره‌مند شود

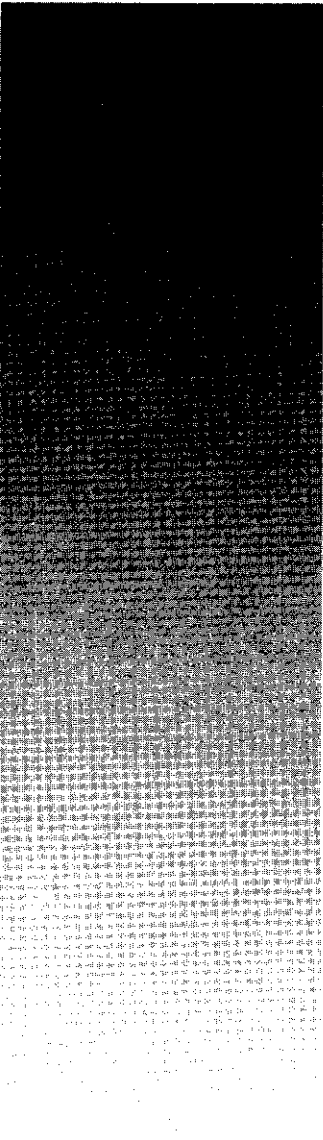
... از خداوند متعال می‌خواهم که همه ما را به راه راست هدایت کند و محبت اهل بیت عزیز را در قلب ما جای دهد و از ما راضی باشد.<sup>۲۶</sup>

○ **استاد محمد امین نوای:**

علی (ع) همه قرآن را حفظ کرده بود و از اسرارش آگاه بود و قرآن با خون و گوشت علی درآمیخته بود، این حقیقت را کسی درمی‌یابد که نهج البلاغه را مطالعه کند.<sup>۲۷</sup>

○ **استاد محمد امین نوای:**





«ابوالحسن» را انتخاب کنم، تا تو آن را در کتابی منتشرسازی. من اکنون دسترسی به کتابهایی که چنین منظوری را تامین کند ندارم، مگر کتابهایی چند از جمله «انجیل بلاغت، نهج البلاغه» است. با مسرت این کتاب با عظمت را ورق زدم، به خدا نمی‌دانم چگونه از میان صدها کلمه علی(ع) فقط صد کلمه را انتخاب کنم بلکه بالاتر بگویم نمی‌دانم چگونه کلمه‌ای را از کلمه دیگر جدا سازم! این کار درست به این می‌ماند که دانه یا قوتی را از کنار دانه یا قوت دیگر بردارم.

سرانجام من این کار را کردم در حالیکه دستم یاقوت‌های درخشانده را پس و پیش می‌کرد و دیدگانم از تابش نور آنها خیره می‌گشت. باور کردنی نیست که بگویم به واسطه تحیر و سرگردانی به چه سختی کلمه‌ای را از این معدن بلاغت بیرون آوردم! بنابراین، تو این صد کلمه را از من بگیر و به یاد داشته باش که این صد کلمه پرتوهایی از نور بلاغت و غنچه‌هایی از شکوفه فصاحت است.»

○ استاد امین نخله اعتراف می‌کند که:

«هر گاه کسی بخواهد بیماری نفس خود را درمان کند باید به گفتار امام(ع) در نهج البلاغه روی آورد و راه و روش زندگی را از پرتو این کتاب ارزشمند بیاموزد.»

○ سلیمان کتانی، ادیب مسیحی لبنانی، مؤلف کتاب امام علی مشعلی ودزی:

«چه مفهومی را می‌توان یافت که در قلمرو نهج البلاغه فرود آید و تصویر صادقی از این حقیقت نباشد؟ حقیقتی که در وادی جسم علی فرزند ابیطالب فرود آمده است مانند نور آفتاب که در جام شفاف فرود آید؟

.... نهج البلاغه، سیقل کلمات و حروفش، خواه به دست فرزند ابیطالب انجام گیرد، یا به دست هنرمندی چیره دست، کتابی است که تا ابد تعبیر عمیق و رسائی از واقعیت مردم خواهد بود که علی بن ابیطالب نامیده شده است.»<sup>۳۲</sup>

○ پروفیسور هانری کرین، محقق و شرق شناس معروف فرانسوی:

«بعد از قرآن و احادیث پیامبر اسلام، نهج البلاغه در درجه اول اهمیت قرار دارد. باید گفت بطور کلی این تنها به قلمرو حیات مذهبی تشیع محدود نیست بلکه تفکر فلسفی شیعه نیز به آن وابسته است و از آن مایه می‌گیرد. از این رو باید نهج البلاغه را از مهمترین سرچشمه‌هایی بشمار آورد که متفکران شیعه پیوسته از آن سیراب گشته‌اند...»<sup>۳۳</sup>

○ مستر کرینکوی انگلیسی استاد ادبیات در دانشگاه علیگر هندوستان: در محضر استادان سخن و ادبانی که در مجلس او حاضر بودند

و از اعجاز قرآن از وی پرسیدند در پاسخ گفت:

قرآن را برادر کوچکی است که «نهج البلاغه» نام دارد آیا برای کسی امکان دارد که مانند این برادر کوچک بیآورد. تا ما را مجال بحث از برادر بزرگ (یعنی قرآن) و امکان آوردن نظیر آن باشد؟<sup>۳۴</sup>

○ جرج جرداق، نویسنده و ادیب معروف مسیحی:

«... آیا در تاریخ مشرق زمین، هیچ به سراغ «نهج البلاغه» رفته‌اید؟...»

نهج البلاغه‌ای که از فکرو خیال و عاطفه، آیاتی بدست می‌دهد که تا انسان هست و تا خیال و عاطفه و اندیشه‌های انسانی وجود دارد؛

علی(ع) همه قرآن را حفظ کرده بود و از سرارش آگاه بود و قرآن با خون و گوشت علی درآمیخته بود، این حقیقت را کسی درمی‌یابد که نهج البلاغه را مطالعه کند.

○ شهاب‌الدین محمود آوسی بغدادی (۱۲۱۷. ۱۲۷۰ ه. ق.):

«... نهج البلاغه، که حاوی خطبه‌های علی بن ابی‌طالب است، پرتوی از نور سخن الهی دارد، و خورشیدی است که با فصاحت منطق نبوی می‌درخشد.»<sup>۲۸</sup>

○ محمود چخایج معاون نخست‌وزیر بوسنی و هرزگوین:

وی در مورد اینکه چاپ نهج البلاغه تا چه حد برای مسلمانان اهل تسنن مفید است گفت: نهج البلاغه آینه‌ای است که در آن می‌توان مشخصات یک انسان کامل، یک اعتقاد تام و یک زندگی کامل را دید.<sup>۲۹</sup>

○ علامه شمس‌الدین حنفی مشهور به سبط بن البخوری:

علی کلماتی را بر زبان می‌آورد که سرشار از عصمت است، با میزان حکمت سخن می‌گفت و خدا با این کلمات مهابت و شکوهی بر او افکنده است. این کلمات به گوش هر کس برسد او را به شگفتی و حیرت دچار می‌سازد....

○ استاد شیخ مصطفی غلابینی لبنانی:

از بهترین کتابها که مطالعه آن برای کسی که می‌خواهد اسلوب عالی را بفهمد، مطالعه کتاب نهج البلاغه امام علی(ع) است. کتابی که این مقاله (نهج البلاغه و اسلوبهای کلام عربی) به خاطر آن تحریر شده است. همانا در این کتاب، سخنان بلیغ و اسلوبهای شگفت‌انگیز و معانی عالی و دلپذیر و موضوعات ارزشمند یافت می‌شود...»<sup>۳۰</sup>

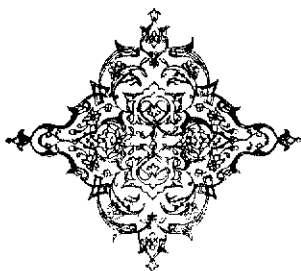
○ عمر وبن بحر جاحظ:

من دوست داشتم همه کتابها و تالیفات خود را بدهم و نسبت تالیف آن کتابها را از خودم قطع و انکار نمایم و در عوض آن، فقط سه کلمه از کلمات علی بن ابی‌طالب(ع) را از آن خود سازم و آن کلمات منسوب به من گردد...»<sup>۳۱</sup>

ج: نهج البلاغه از دیدگاه دانشمندان مسیحی

نویسنده شهیر استاد «امین نخله» دانشمند مسیحی خطاب به شخصی که از وی خواسته است، چند کلمه از سخنان علی(ع) را برگزیند تا وی در کتابی گردآوری و منتشر سازد، می‌گوید:

«از من خواسته‌ای که «صد کلمه» از گفتار بلیغ‌ترین نژاد عرب



با ثوق بدیع ادبی هنری او بیوند ناگسستگی خواهد داشت.

سخنانی بهم پیوسته و هماهنگ، جوشان از درکی عمیق و بینشی ژرف، لبریز از شور واقعیت و گرمی حقیقت، سرشار از اشتیاق تمام برای شناخت ماورا این حقیقت، سخنانی زیبا و نغز، که زیبایی موضوع و بیان، آن چنان در آن بهم آمیخته که تعبیر با مدلول، و شکل، با معنی، یکی شده‌اند همچنان که حرارت با آتش، نور با خورشید، و هوا با هوا یکی هستند!

و بشر در قبال آن، چیزی جز بمثابة موجودی که در برابر سیل خروشان و دریای پرموج، و طوفان سرکش یا گردباد تند قرار گرفته باشد، نمی‌تواند بشمار آید... نهج‌البلاغه‌ای که بیان آن اگر برای انتقاد بکار برده شده؛ گویی تندباد خروشان است و اگر تباهی و فساد را مورد تهدید قرار دهد، همچون آتش فشانی سهمناک زیانه می‌کشد و اگر برای تفکر و اندیشه بخواند؛ حس و عقل را همراه می‌سازد، و اگر در مقام بند و اندرز باشد، مهر و عاطفه‌ای پدری را همگام با راستی و وفای انسانی در آن خواهید یافت و اگر برای شما از ارزش و هستی و زیباییهای آفرینش و کمالات جهان هستی سخن گوید، آنها را با مدادی آغشته به نور ستارگان در قیل شما می‌نگارد!

نهج‌البلاغه، بیانی است رساتر از هر رسا و پاره‌ای است از یک تنزيل! و بیوند ناگسستگی با اصول ادب انسانی دارد، و تا آنجا اوج می‌گیرد که درباره آن گفته‌اند:

«بیانیست فروتر از کلام خداوند، و فراتر از گفتار بشری...»<sup>۳۵</sup>

○ بولس سلامه، استاد و شاعر و نویسنده معروف مسیحی لبنانی:

«کتاب مشهور نهج‌البلاغه اثر جاودانه‌ایست که انسان را به شناخت اندیشه بزرگ علی بن ابیطالب وادار می‌سازد و هیچ کتابی جز قرآن، بر آن برتری ندارد...»<sup>۳۶</sup>

○ فواد افرام البستانی، استاد دانشگاه بیروت:

من می‌خواهم که این اثر خود را با برگزیده‌هایی از «نهج‌البلاغه» آغاز کنم، زیرا که نهج‌البلاغه، اثر بزرگترین اندیشمند جهان، علی بن ابیطالب است.<sup>۳۷</sup>

○ مرحوم حجه الاسلام محمد محقق نماینده آیه الله العظمی بروجردی قدس سره در آلمان و مؤسس مسجد عظیم مسلمین در هامبورگ می‌گفت:

«به امر آیت‌الله بروجردی نهج‌البلاغه را به یکی از دانشمندان آلمانی برای ترجمه به زبان آلمانی دادیم، آن دانشمند این کتاب را بدست گرفت و مشغول ترجمه شد؛ روزی نزد من آمد گفت این چه کتابی است هر چه در ترجمه آن به پیش می‌روم عظمت این کتاب را بیشتر درک می‌کنم. به راستی عجیب کتابی است، خود را در برابر آن کوچک می‌بینم...»<sup>۳۸</sup>

○ آقای عبدالرحمن، مسئول جامعه اسلامی مجارستان، می‌گوید:

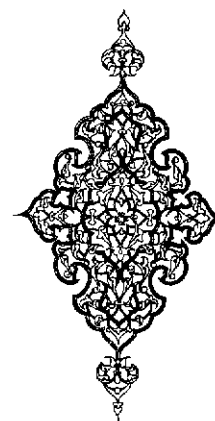
در سال ۱۹۸۶ م، کارداری در سفارتخانه ایران کتاب نهج‌البلاغه را به من هدیه داد. کنجکاو بودم که ببینم در نهج‌البلاغه به عنوان یک اثر تشیع چه چیزی نوشته شده است، هنگامی که آن را خواندم، دیدم یک اثر فلسفی است و در آن حکمت‌هایی هست که گنجینه اسلام است. آنگاه اسلام را تا حدودی شناختم و متقاعد شدم.

اکنون هر گاه صحبتی می‌شود، شدیداً دفاع می‌کنم که سنی و شیعه در کار نیست، همه با هم برادرند. این گنجینه ارزشمندی است که ما باید آن را حفظ و نگهداری کنیم، این اسلام است.<sup>۳۹</sup>

پی‌نوشت‌ها:

۱. وصیت نامه سیاسی الهی - پیام امام خمینی (ره) به کنگره هزاره نهج‌البلاغه

۲. سخنان مقام معظم رهبری در کنگره چهارم نهج‌البلاغه ۱۳۶۳ ش.



سخنان مقام رهبری در جمع دانش‌آموزان، ۱۳۶۵ ش

۳. الذریعه، ج ۴ و ۱۴. سید رضی مؤلف نهج‌البلاغه ص ۲۲۷

۴. پیرامون نهج‌البلاغه

۵. الغدير، ج ۵

۶. نگاهی به علی (ع)، ص ۶۵

۷. قسمتی از پیام علامه طباطبائی به کنگره هزاره نهج‌البلاغه ۲۷

۶۰/۲

۸. بهج‌الصباغه فی شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۳

۹. انسان کامل از دیدگاه نهج‌البلاغه، بنیاد نهج‌البلاغه، چاپ دوم، ص

۱۵

۱۰. سیری در نهج‌البلاغه، ص ۳۰

۱۱. کلام جاودانه، ص ۱۵۵

۱۲. پیام امام (ع)، ج ۱، ص ۴۵

۱۳. میراث ماندگار، ج ۳، ص ۹۳

۱۴. مقدمه شرح نهج‌البلاغه عیده

۱۵. پیرامون نهج‌البلاغه، ص ۶۱

۱۶. شرح نهج‌البلاغه عیده ص ۱

۱۷. عقربه الامام علی (ع) ص ۱۳۲، ۱۳۵

۱۸. تاریخ ادبیات عرب، ص ۲۴۸، ۲۵۱

۱۹. مصادر نهج‌البلاغه، عبدالزهراء حسینی، ص ۹۹

۲۰. ترجمه تاریخ فخری، ص ۱۶

۲۱. نهج‌البلاغه از کیست؟، ص ۱۸

۲۲. علی بن ابیطالب شعره و حکمه

۲۳. مصادر نهج‌البلاغه، ص ۱۰۰

۲۴. مصادر نهج‌البلاغه، ص ۹۳

۲۵. درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۱۷، ش ۴

۲۶. مقدمه شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید

۲۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۵/۹/۲

۲۸. مصادر نهج‌البلاغه، ص ۱۰۰

۲۹. مصادر نهج‌البلاغه، ص ۹۷

۳۰. روزنامه جهان اسلام، شماره ۲۲۱، ۱۳۷۰/۱۲/۱۲

۳۱. مجله «تراثنا» ش ۳۴، ص ۱۰۰

۳۲. معارج نهج‌البلاغه بیهقی، ص ۱۰

۳۳. پیرامون نهج‌البلاغه، علامه شهرستانی، ص ۳۹

۳۴. چشمه سارهای بکر حکمت در نهج‌البلاغه، حسین میرزاخان

ص ۲۱

۳۵. تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۸۰

۳۶. نهج‌البلاغه و گردآورنده آن، ص ۲۷۳

۳۷. درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۱۷، ش ۴

۳۸. درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۱۷، ش ۴

۳۹. درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۱۷، ش ۴